

ماهنامه تخصصی سبک‌شناسی نظم و نثر فارسی (بهار ادب)

علمی^۱

سال سیزدهم - شماره پنجم - مرداد ۱۳۹۹ - شماره پیاپی ۵۱

بررسی سبک‌شناسی نسخه خطی «شرح گلشن راز» تألیف «شیخ مظفرالدین

علی بن محمد شیرازی»

(ص ۳۵۱-۳۲۹)

سلیمان یوسفی قطب‌آبادی^۲، خیرالله محمودی^۳ (نویسنده مسئول)

تاریخ دریافت مقاله: خرداد ۱۳۹۶ تاریخ پذیرش قطعی مقاله: مرداد ۱۳۹۶

چکیده:

به دلیل اهمیت فوق‌العاده کتاب گلشن راز اثر شیخ محمود شبستری، شروح بسیاری بر این کتاب نگاشته شده است. یکی از آنها شرح شیخ مظفرالدین علی بن محمد شیرازی از حکیمان و عارفان بزرگ قرن نهم هجری است. این نوشتار در صدد برآمده با ذکر توضیحاتی مجمل و مختصر در باب احوال مؤلف و بررسی آثار وی و معرفی نسخه خطی شرح گلشن راز، به بررسی ساختار، سبک و ویژگیهای زبانی این نسخه خطی بپردازد و آن را از بُعد فکری، ادبی و لغوی نیز بررسی کند. روش پژوهش در این جستار، به شیوه‌ی اسنادی و کتابخانه‌ای و براساس نسخه اساس و شواهد مستخرج از آن و تذکره‌های معاصر مؤلف بوده است. شیخ مظفرالدین علی بن محمد شیرازی از حکیمان و عارفان بزرگ قرن نهم هجری و از عارفان بنام زمان خویش بوده و کتاب خود را برای رفع ابهامات و پیچیدگیها بر کتاب «گلشن راز» به درخواست یکی از صوفیان زمان خود نگاشته است. این کتاب که به زبان ساده و روان و گاه مزین به صناعات لفظی و معنوی به رشته‌ی تحریر درآمده، مشتمل بر بیان حقایق عرفانی و شرح واژه‌ها و عبارات عرفانی در گلشن راز و شرح عرفانی ابیات به نثر ساده و روان در ۱۵۶ صفحه است. آغاز نگاشتن این شرح مشخص نیست اما تاریخ اتمام آن را سال ۸۹۱ دانسته‌اند که به قلم حسن الهادی الحسینی الیزدی نگاشته شده است. این نسخه شامل دو بخش است، در بخش اول که مقدمه یا دیباچه اثر است، پس از حمد خداوند و مدح پیامبر و بیان مقام انسان و عارفان، مباحثی در شرح ۲۶ حقیقت عرفانی بیان میشود که با کاربرد آیات، احادیث، عبارات و اصطلاحات عرفا و... همراه است و شکلی اطناب‌گونه مییابد. در بخش دوم، شیخ مظفر به تفسیر و شرح ابیات گلشن راز می‌پردازد، و در این کار از اطناب به دور است. او در کلماتی اندک، ابیات گلشن راز به طور کامل شرح و تفسیر میکند. این شرح برای کسانی نگاشته شده که حداقل با معنی اصطلاحات عرفانی آشنا هستند، یا از سیر و سلوک باخبر اند. وی در نقل اشعار و عبارتهای فارسی و عربی دچار مسامحه شده و اشعار را بدون ذکر نام شاعران نقل کرده است. همچنین در موارد بسیاری چندین بیت از چند شاعر را پشت سرهم و بدون اشاره به نام شاعران می‌آورد. از آنجائیکه این اثر توضیح و شرح گلشن راز شیخ محمود شبستری است، جنبه آموزشی آن بر بعد ادبی برتری دارد. زبان این اثر دور از تکلف و ساده است و اثری از صنعت‌پردازی در آن به چشم نمی‌خورد. در این اثر عمده کلمات و ترکیبات به کار رفته عربی است. همچنین عدم توجه به قواعد دستوری زبان فارسی و مسامحات لغوی رایج در متون نثر دوره تیموری را کمابیش در این اثر نیز میتوان مشاهده کرد اما بطور کل شارح در نگارش اثر خود از سبک و سیاق عرفا پیروی کرده است.

کلمات کلیدی: شرح گلشن راز، مظفرالدین علی بن محمد شیرازی، نسخه خطی، سبک‌شناسی

۱- تمام مجلات علمی پژوهشی کشور از ابتدای سال ۹۸ به دستور وزارت علوم به مجلات علمی تغییر نام داده اند.

۲- دانشجوی دکتری زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه شیراز، شیراز، ایران. (Salmanu349@gmail.com)

۳- دانشیار گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه شیراز، شیراز، ایران. (Mahmoudi-kh27@yahoo.com)

Stylistic study of the manuscript "Sharh Golshan Raz" written by "Sheikh Mozaffaruddin Ali Ibn Mohammad Shirazi"

Salman Yousefi Qutbabadi^۱, Khairullah Mahmoudi^۲ (Corresponding Author)

Abstract

Due to the extraordinary importance of the book Golshan Raz by Sheikh Mahmoud Shabestari, many details have been written on this book. One of them is the commentary of Sheikh Muzaffar al-Din Ali ibn Muhammad Shirazi, one of the great sages and mystics of the ninth century AH. This article seeks to study the structure, style and linguistic features of this manuscript by mentioning brief and concise explanations about the author's condition and reviewing his works and introducing the manuscript version of Golshan Raz's commentary. Check. The research method in this paper was documentary and library based on the basic version and the evidence extracted from it and contemporary biographies of the author. Sheikh Muzaffar al-Din Ali ibn Muhammad Shirazi was one of the great sages and mystics of the ninth century AH and one of the mystics of his time. This book, which has been written in simple and fluent language and sometimes decorated with verbal and spiritual crafts, contains the expression of mystical truths and descriptions of mystical words and phrases in Golshan Raz and mystical descriptions of verses in simple and fluent prose in 156 pages. The beginning of writing this commentary is not known, but its completion date is considered to be the year 891, which was written by Hassan Al-Hadi Al-Husseini Al-Yazdi. This version consists of two parts. In the first part, which is the introduction or preface of the work, after praising God and praising the Prophet and expressing the status of human beings and mystics, discussions are expressed in the description of 26 mystical truths. The terms of mystics, etc. are accompanied and take on an idiomatic form. In the second part, Sheikh Muzaffar interprets and explains the verses of Golshan Raz, and in this work he is far from ignorant. In a few words, he fully explains the verses of Golshan Raz. This commentary is written for those who are at least familiar with the meaning of mystical terms, or who are aware of their conduct. He has been negligent in quoting Persian and Arabic poems and phrases and has quoted the poems without mentioning the names of the poets. Also, in many cases, he brings several verses from several poets in a row without mentioning the names of the poets. Since this work is an explanation of Golshan Raz by Sheikh Mahmoud Shabestari, its educational aspect is superior to the literary dimension. The language of this work is far from simple and there is no trace of craftsmanship in it. The main words and combinations used in this work are Arabic. Also, the lack of attention to the grammatical rules of the Persian language and the common lexical negligence in the prose texts of the Timurid period can be seen more or less in this work, but in general, the commentator has followed the style and context of mystics in writing his work.

Keywords: Description of Golshan Raz, Muzaffaruddin Ali Ibn Mohammad Shirazi, Manuscript, Stylistics

^۱- PhD student in Persian language and literature, Shiraz University, Shiraz, Iran. (Salmanu349@gmail.com)

^۲- Associate Professor, Department of Persian Language and Literature, Shiraz University, Shiraz, Iran. (Mahmoudi-kh27@yahoo.com)

بیان مساله

در بین منظومه‌های عرفانی کتاب گلشن راز، اثر شیخ محمود شبستری «به دلایل بسیاری همچون الهامی و کشفی بودن، گزیده‌گویی، پرمحتوایی، تفوق معنی بر لفظ با وجود تعداد محدود ابیاتش، وزن خاص و سهولت به خاطر سپردن آن همواره علاقه‌مندان بسیاری در حوزه عرفان و همچنین ادبیات اسلامی را به خود جذب کرده و شروح بسیاری بر آن نوشته شده است.» (لوین، ۱۳۷۹: ۵) و «در دوره صفویه همه جا به مثابه زبده و خلاصه جامع عقاید صوفیه تلقی می‌شد.» (زرین‌کوب، ۱۳۷۶: ۳۲۴ / صفا، ۱۳۷۸: ج ۳: ۷۶۶) به طوریکه حدود ۴۰ شرح بر این کتاب نگاشته شده که برخی از آنها تصحیح و چاپ شده است. یکی از شروح ناشناخته گلشن راز، شرح شیخ مظفرالدین علی بن محمد شیرازی از حکیمان و عارفان بزرگ قرن نهم هجری است؛ تاریخ نگارش این نسخه خطی از نظر تاریخی مصادف با عهد تیموری است که آنرا را ظهور ضعف و فتور به نثر ادبیات پارسی دانسته‌اند و همچنانکه شمیسا بیان میکند اینگونه شرح و تفسیرها که با غموض و تکلف بسیار همراه است، مولود درسی شدن عرفان و از جمله جریانات فرهنگی عصر مولف است. (شمیسا، ۱۳۸۰: ۱۹۸)

این نوشتار در صدد برآمده با ذکر توضیحاتی مجمل و مختصر در باب احوال مؤلف و بررسی آثار وی و معرفی نسخه خطی شرح گلشن راز، به بررسی ساختار، سبک و ویژگیهای زبانی این نسخه خطی بپردازد و آن را از بُعد فکری، ادبی و لغوی نیز بررسی کند.

ضرورت و اهداف تحقیق

شیخ مظفرالدین شیرازی از متصوفه و علمای خوش ذوق سده نهم هجری است که به رغم وسعت دانش و استعداد، شناخته شده نیست؛ بنابراین تحقیق در احوال، آثار و افکار او میتواند زوایای گوناگون زندگی و اندیشه او را روشن سازد و موجب آشنایی علاقه‌مندان با یکی از مفاخر علمی و فرهنگی کشور شود.

شناخت و معرفی احوال، افکار و آثار شیخ مظفرالدین علی بن محمد شیرازی، به عنوان یکی از عارفان و عالمان ناشناخته قرن نهم هجری و شناسایی یکی از شروح قدیمی و ناشناخته گلشن راز و تبیین اهمیت آن و بررسی سبک شناسی این اثر در سه حیطه زبانی، ادبی و فکری از اهداف این تحقیق به شمار میروند.

روش تحقیق

روش پژوهش در این جستار، به شیوهی اسنادی و کتابخانه ای و براساس نسخه اساس

و شواهد مستخرج از آن و تذکرة‌های معاصر مؤلف بوده است.

پیشینه تحقیق

در تبیین پیشینه پژوهش در مورد این نسخه خطی، مقاله‌ای به قلم منوچهر اکبری (۱۳۹۳) با عنوان «معرفی شرح گلشن راز از شیخ مظفرالدین علی بن محمد شیرازی رومی» یافت گردید که در فصلنامه «بهار ادب» به چاپ رسیده است. در این مقاله به تذکرة نویسان و فهرست نویسان که درباره این شرح گفته اند، پرداخته شده است ولی در مورد ویژگیهای اثر خصوصاً سبک‌شناسی آن مطلبی نیامده است.

معرفی شیخ مظفرالدین علی بن محمد شیرازی رومی

اطلاعات درباره ی زندگی و حیات شیخ مظفرالدین منحصر به روایات کوتاهی است که در تذکرة‌های مختلف ثبت گردیده که روایات این تذکرة‌ها نیز در بعضی موارد متفاوت است. ۱

علی بن محمد بن علی شیرازی عمری شافعی رومی معروف و ملقب به مظفرالدین را با عناوینی چون عالم عامل، فاضل کامل و منطقی بزرگ معرفی کرده‌اند. وی ساکن شیراز بود؛ بنابر روایتی، جد وی، شیخ نجیب الدین علی ابن دغش (رعشن) شیرازی یکی از خلفای شیخ شهاب‌الدین عمر سهروردی بوده است که به دستور وی برای هدایت خلق به شیراز فرستاده می‌شود. مظفرالدین نزد ملا جلال الدین دوانی و ملا صدرالدین شیرازی و علمای دیگر به تحصیل علوم شرعی، حساب، هندسه و کلام پرداخت و در علوم و دانشهای رایج زمان خود، مهارت یافت. وی کتاب اقلیدس در فن هیئت را نزد امیر صدر الدین شیرازی خواند و حاشیه‌ای بر آن نوشت و با نگاشتن حاشیه‌ای بر «شرح تجرید و شرح مطالع» بر دیگر هم‌عصران خود پیشی جست. در علم کلام و منطق نیز از استاد خود، علامه جلال الدین دوانی گوی سبقت ربود که علامه جلال الدین می‌گوید: «اگر منطق جسم داشت، آن جسم مظفرالدین شیرازی بود.» (رکن‌زاده آدمیت، ۱۳۴۰: ۴۷۰)

با ازدواج با دختر ملا جلال الدین دوانی، در شیراز به مظفر داماد شهرت یافت؛ پس از بیماری ملا جلال الدین، مظفرالدین صاحب کرسی تدریس در مدرسه‌ای در شیراز گردید. مظفرالدین در سال ۹۱۶ ه. ق به سمت حلب سفر کرد و نزد قبیله‌ی بنی المرعشی اقامت

۱- از جمله این منابع، میتوان به آثار زیر اشاره کرد که نگارنده در شرح حال مؤلف از این منابع نقل قول کرده است. در الحبيب، جزء دوم قسم اول ص ۹۳۳؛ شقائق نعمانیة، ۲۷۸ تا ۲۷۹؛ اثراقرینان، ص ۲۵۳؛ معجم المؤلفین، ص ۲۰۴؛ الکواکب السائرة، قسمت ۵۳۱؛ سلم الوصول، ص ۴۰۵؛ مشاهیر عثمانیه، ص ۴۹۹

گزید (ابن الحنبلی، ۱۳۰۸: ۹۳۳) و به تعلیم و آموزش علوم پرداخت. در همین دوران بود که حواشی بر «کافیه و شافیه» نوشت. وی پس از مدتی به بلاد روم سفر کرد و به قاضی ابن المؤید که از هم‌درسیهای وی در شیراز بود، پیوست. ابن المؤید در روم به استقبال وی رفت و او را به نزد سلطان بایزید برد. شیخ مظفرالدین، شرح گلشن راز خود را به سلطان بایزید تقدیم کرد و سلطان نیز وی را به تدریس در مدرسه‌ی مصطفی پاشا گماشت. وی بعد از مدتی دچار بیماری چشم شد و بینایی خود را از دست داد، به همین دلیل از تدریس عاجز گشت و سلطان سلیم‌خان برایش ۶۰ درهم روزانه به عنوان نفقه‌ی بازنشستگی مقرر نمود. وی پس از بیماری چشم، سفری به شهر بروسا کرد و در آنجا مقیم شد تا به سال ۹۲۲ هـ. ق دار فانی را وداع کرد. در «الحبب» دلیل درگذشت وی را ابتلا به بیماری طاعون در سال ۹۱۸ هـ. ق دانسته‌اند.

آثار شیخ مظفرالدین شیرازی

تذکره‌های مختلف از آثار بسیاری شیخ مظفر حکایت می‌کند. اما تاکنون در کتابخانه‌ها و از میان نسخه‌های خطی، تنها سه اثر از آثار علمی شیخ مظفر شناخته شده است. از این سه اثر، دو اثر بنا بر آنچه نزدیکان و معاصران شیخ مظفر نقل می‌کنند، به وی استناد داده شده است و او صرفاً در تفسیر آیه (لَوْ كَانَ فِيهِمَا آلِهَةٌ إِلَّا اللَّهُ لَفَسَدَتَا) الأنبياء: ۲۲ اسم خود را ذکر کرده است. دو اثر دیگر وی از طریق شهرت کتاب بر مبنای اهداء، مانند شرح گلشن راز که چون وی به سلطان بایزید اهداء کرده شناخته شده است. اثر سوم وی عبارت است از تفسیر آیه (وان کنتم...)

۱- شرح «تهذیب المنطق تفتازانی» در فهرست کتابخانه سلیمانیه، نسخه‌ای به شماره (۰۰۰۸۴۶) موجود است؛ محتوای این نسخه شرح تهذیب المنطق است و مؤلف این شرح همانطور که در فهرست کتابخانه نوشته شده است، مظفر الدین علی بن محمد شیرازی می‌باشد. در واقع این نسخه شامل دو شرح می‌باشد: شرح اول که در اصل صفحه‌های نسخه قرار دارد از عبد الرحمن شیرازی. این شرح در دیباچه آن به مظفر السلطنه سلغر اهدا شده است. شرح دوم که در حاشیه نوشته شده از شیخ مظفر می‌باشد، اما دیباچه یا نامی از مظفر الدین شیرازی در این شرح وجود ندارد.

۲- شرح «فصوص الحکم» ابن عربی. صاحب کشف الظنون ذکر کرده که شیخ مظفر یکی از شارحان فصوص الحکم است (کشف الظنون، جلد ۲، ص ۱۲۶۳)؛ اما هیچ نگاشته‌ای از این شرح به نام شیخ مظفر الدین چه در فهرستواره‌ها و فهرستهای ایران و چه در فهرستواره‌ها و فهرستهای کشور ترکیه تا به امروز ذکر وثبت نشده است.

۳- رساله‌ی «برهان التمانع» که تفسیر آیه‌ی «لو كان فيهما آلهة الا الله لفسدتا» (الانبياء/۲۲) است: تنها نگاشته‌ای که شیخ مظفر اسم خود را در آن ذکر کرده، همین تفسیر است. شیخ مظفر تفسیر این آیه را به سلطان سلیم اهداء کرده است. وی در تفسیر این آیه از سه جهت بحث کرده است. مبحث اول بررسی این آیه از جنبه ترکیب علوم عربی. مبحث دوم استدلال این آیه بر مبنای علم کلام. مبحث سوم استدلال آیه بر مبنای فلسفه مشائیان. نسخه خطی این تفسیر در کتابخانه سلیمانیه استانبول کشور ترکیه وجود دارد.

۴- تفسیر آیه‌ی «و ان كنتم في ريب مما نزلنا على عبدنا فأتوا بسورة من مثله» (البقره/۲۳). این رساله در نسخه خطی مجموعه شماره ۸۱۹ (کتابخانه مروی) موجود است (فهرست نسخه‌های خطی کتابخانه مدرسه مروی تهران). شیخ مظفر در این رساله به بررسی تفسیر زمخشری در الکشاف، تفسیر تفتازانی در شرح الکشاف و تفسیر ثعلبی در کشف البیان بر این آیه به طور جداگانه پرداخته و سپس تفسیر و نظر خود را اظهار کرده است. این رساله در کشکول شیخ بهائی چاپ شده است و محتوایی از رساله که در کشکول چاپ شده کاملتر است چون نسخه این رساله در یکی از مجموعه‌های کتابخانه مدرسه مروی فاقد دیباچه است. (کشکول شیخ بهائی جلد ۲ ص ۱۷۱ تا ۱۸۴).

۵- حاشیه بر «کتاب اقلیدس» در علم هندسه. ۶- حواشی بر «تجريد الاعتقاد» خواجه نصیرالدین طوسی. ۷- حواشی بر «مطالع» فخر رازی. ۸- «شرح الکافی» فخر رازی. ۹- حاشیه بر «شمسیه» ۱۰.۱- شرح «گلشن راز» شیخ محمود شبستری.

معرفی نسخه‌های خطی شرح گلشن راز شیخ مظفرالدین شیرازی

از این اثر نسخه‌های متعددی برجای مانده و فهرست نویسهایی چون سید منصور طباطبایی، گلچین معانی و علی نقی منزوی در آثار خود آن‌ها را ذکر کرده‌اند، نسخه‌ی خطی که از این شرح در زمان حیات مؤلف نوشته شده، همان نسخه‌ای است که کاتب آن «حسن الهادی الحسینی الیزدی» است که آن را در سال ۸۹۶ ه.ق. ظاهراً از روی نسخه‌ی شیخ مظفر استنساخ کرده است. (اکبری، ۱۳۹۳: ۲۵۱). شش نسخه‌ای که در این پژوهش مورد مطالعه قرار گرفته‌اند، عبارتند از:

۱- نسخه خطی متعلق به کتابخانه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی به شماره ثبت ۹۰۴۱۹ (نسخه اساس):

۱- از چهار اثر اخیر هیچ نسخه‌ای یافت نشد اما در منابع: الشقایق النعمانیه، اثر آفرینان و تاریخ ادبیات در ایران، بدانها اشاره شده است.

این نسخه به خط نستعلیق، نوشته شده و تمامی صفحات در کادر قرار دارد. تاریخ شروع نوشتن این شرح مشخص نیست، اما با توجه به این سخن مظفر در پایان شرح خود مبنی بر اینکه «تم الشرح فی عام افصح عنه فیاض والاعتماد علی منتهی سلسله الجواهر والاعراض.» می توان گفت که بر مبنای دلالت ابجدی حروف واژه فیاض بدون تشدید به تاریخ ۸۹۱ می توان رسید. همچنین بر مبنای تاریخی که کاتب این نسخه «حسن الهادی الحسینی الیزدی» در پایان این نسخه آورده، این نسخه در سال ۸۹۶ هـ ق نگاشته شده است. پس تاریخ اتمام این شرح که سال ۸۹۱ ذکر شد نمیتواند دور از حقیقت باشد.

این نسخه دارای مقدمه ای شامل بیست و شش "حقیقت" مشروح و مفصل بیست و هشت صفحه ای است و سپس کاتب ابیات مثنوی گلشن راز را به رنگ قرمز آورده و با رنگ مشکی به شرح ابیات در ۱۳۰ صفحه پرداخته است. بنابراین محتوای این کتاب را میتوان به دو بخش کلی تقسیم نمود: ۱- دیباچه و شرح ۲۶ حقیقت عرفانی؛ ۲- شرح ابیات گلشن راز شیخ محمود شبستری.

۲- نسخه خطی متعلق به کتابخانه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی به شماره ثبت

؛۲۱۰۱۴۰

این نسخه به خط نستعلیق نگاشته شده و در ترقیمه نسخه، هیچ اشاره ای به سال کتابت و نام کاتب نشده است تمامی صفحات در کادر قرار دارد. این نسخه دارای مقدمه ای شامل بیست و هشت "حقیقت" مشروح و مفصل سی و یک صفحه ای است و سپس کاتب ابیات مثنوی گلشن راز را آورده و به شرح ابیات در ۱۶۱ صفحه و هر صفحه شامل ۱۵ سطر است.

۳- نسخه خطی متعلق به کتابخانه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی به شماره ثبت

؛۲۲۵۳۰

خط این نسخه نستعلیق است و تمامی صفحات در کادر قرار دارد. این نسخه دارای مقدمه ای سی و پنج صفحه ای است و سپس کاتب ابیات مثنوی گلشن راز را در فصلی جداگانه که مزین به سرلوحی زیبا است، آورده و در این بخش اشعار را به رنگ قرمز آورده و با رنگ مشکی به شرح ابیات در ۱۲۲ صفحه پرداخته است. معانی بعضی لغات در حاشیه نوشته شده و این نسخه شامل ۱۵۷ صفحه است که هر صفحه شامل ۱۶ سطر میباشد.

۴- نسخه خطی متعلق به کتابخانه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی به شماره ثبت

؛۲۰۹۳۲۵

این نسخه هم به خط نستعلیق نوشته شده که دارای مقدمه ای ۱۱ صفحه ای است و به صورت مشروح به بیان بیست و هشت حقیقت عرفانی میپردازد. سپس کاتب ابیات مثنوی گلشن راز را آورده و به شرح ابیات در ۶۵ صفحه پرداخته است. کاتب نسخه نامعلوم است و

هر صفحه شامل ۲۹ سطر است. نسخه دارای حاشیه نویسیهای مفصلی است که به شرح و بسط اصطلاحات به کار رفته در نسخه میپردازد.

۵- نسخه خطی در کتابخانه آستان قدس رضوی به شماره ۲۴۸۴۸

تفاوت عمده و اساسی آن با سایر نسخه‌ها در این است که در این نسخه مقدمه سی و پنج صفحه‌ای را حذف نموده و بلافاصله به شرح و توضیح ابیات پرداخته شده است. این نسخه با «به نام آنکه جان را فکرت آموخت» آغاز میشود.

۶- نسخه خطی کتابخانه آستان قدس به شماره ۳۹۱۹۶؛

در این نسخه مقدمه و دیباچه متن موجود و قسمت دیگر کتاب که شامل شرح ابیات گلشن راز است، موجود نیست.

بحث و بررسی

قالبهای شعری و اشعار و شیوه به کارگیری آنها در شرح گلشن راز با توجه به این که گلشن راز شبستری در قالب مثنوی سروده شده، شارح سعی کرده در شرح خود نیز عمدتاً از ابیاتی در قالب مثنوی استفاده کند، از مجموع ۱۹۱ بیت موجود در اثر (که عمدتاً در بخش دیباچه آمده‌اند)، تعداد ۱۷۸ بیت در قالب مثنوی و چند شعر نیز در قالب رباعی و قصیده (که عمدتاً عربی هستند) آورده شده است.

قالب	قصیده	مثنوی	رباعی
تعداد بیت	۷	۱۷۸	۶

در این اثر تعداد ۱۹۱ بیت شعر درج گردیده که ۱۷۸ بیت فارسی و ۱۳ بیت عربی است. بیشتر اشعار فارسی متعلق به لاهیجی و مولاناست و اشعار دیگر از عطار، شبستری و

حسینی هروی و... هستند:

نام شاعر	ناشناخته	اسرار الشهود لاهیجی	سعادت نامه شبستری	مثنوی معنوی	منطق الطیر	حسینی هروی	ابن عربی	کلالة	کشکول شیخ بهایی	دیک الجن
تعداد ابیات	۲۳	۷۳	۳	۷۳	۶	۵	۴	۱	۱	۲

این ابیات جهت توضیح و تبیین ابیات گلشن راز و یا سخنان خود شارح یا برای تأکید و تأیید مطالب قبل استفاده شده است. اما شارح در خصوص شیوه به کارگیری اشعار، دچار مسامحاتی شده است، گاه ابیاتی از چند شاعر را پشت سر هم می‌آورد بدون این که به نام آنها اشاره کند:

گر برون آیی ز پندار وجود بر تو گردد دور پرگار وجود

بی‌نشان شو از همه نام و نشان	تا بینی روی جانان را عیان
سهل شیری دان، که صف‌ها بشکند	شیر آن‌را دان که خود را بشکند (۸)

در مثال فوق، بیت نخست از منطق الطیر، بیت دوم از اسرار الشهود لاهیجی و بیت سوم از مثنوی معنوی است.

همچنین گاه چند بیت از یک اثر را بدون رعایت شماره ابیات و از دفاتر مختلف، به صورت پشت سرهم می‌آورد:

عقل سایه حق بود حق آفتاب	سایه را با آفتاب حق چه تاب
عقل چون شحنه است چون سلطان رسید	شحنة بی‌چاره در گنجی خزید
اندرین ره کز خرد ره‌بین بُدی	فخر رازی رازدار دین بُدی (۴)

در نمونه بالا بیت نخست از دفتر چهارم بیت ۲۱۱۱، بیت دوم از دفتر چهارم بیت ۲۱۱۰ و بیت سوم از دفتر پنجم بیت ۴۱۴۵ آمده است. یا در نمونه زیر سه بیت نخست از کنزالرموز حسینی هروی (ابیات مختلف) و بیت آخر از مثنوی معنوی است:

علم صورت پیشه آب و گل است	علم معنی رهبر جان و دل است
گنج پنهان است علم معنوی	در تو آید گر ز خود بیرون شوی
جهد می‌کن تا ز خود یابی اثر	واجب این علم است اگر داری خبر
زان نماید این حقایق ناتمام	که بر این خامان بود فهمش حرام (۵)

موضوعات و مضامین در مقدمه کتاب :

اشاره شد که شارح قبل از شرح ابیات گلشن راز، دیباچه‌ای به صورت نظم و نثر نگاشته و سپس به شرح ابیات می‌پردازد. وی در مقدمه اثرش در باب نعت خداوند و ارزش وجودی انسان، جایگاه عارفان و اهل فنا، توحید ذاتی الهی، تفاوت اهل ظاهر و باطن، ادراک حق، حقیقت و ذات موجود، حجاب، جمیل و جمال، ذوالعین و ذوالعقل، سیر وجود مطلق، صفت یا ذات بودن اسم، تضاد و تقابل اسماء حق تعالی، اعیان ثابته و خصوصیات آن، جبر و اختیار، انسان صغیر و انسان کبیر، نفس رحمانی و انسانی، اعیان و ثوابت، عالم اجسام و ارواح، کشف صوری و معنوی، حقیقت نوم و بیداری، هفت مرتبگی سلوک، قلب انسانی، فنا فی الله و جزئی و کلی بودن آن و چهار قسم بودن تجلی پرداخته و این مفاهیم، ساختار فکری آغازین این اثر است؛ سپس، به شرح ابیات گلشن راز با ذکر مستندات از آیات و احادیث و روایات توجه نشان داده است.

*حمد: شیخ مظفرالدین علی بن محمد شیرازی، همچون دیگر نویسندگان و شارحان عرفانی، در آغاز اثر خویش به حمد و ثنای خداوند پرداخته و عبارات او آراسته و مزین به صناعات ادبی و هنری است: «سپاس یکی را که غنچه حقیقت مقدسه‌اش در گلشن راز به احسن وجوه شکفته و وجه وجوب خود را در بزم شعور به پرده امکان نهفته» (۱)

*مدح پیامبر: مؤلف سپس به مدح و منقبت پیامبر اکرم پرداخته و وی را ستوده است: «و درود بر حقیقت محمدیه که در مراحل نبوت و منازل ولایت سیر نموده و به هر صورت که بوده، از لوح وجود و آئینه‌ی شهود نقش غیر زدوده» (۱)

*توصیف انسان و عارفان: مظفرالدین شیرازی پس از حمد خداوند و منقبت پیامبر، زبان به وصف انسان که «خلاصه‌ی اعیان و نقاوه اکوان» (۲) و «مظهر جمال و جلال و برزخ وجوب و امکان است» (۲) پرداخته و سپس زبان به وصف «عارفان و اهل فنا» گشوده است و دلیل وجود آنها را این دانسته که «اگر نه وجود این طایفه رفیع‌القدر وسیع‌الصدر بودی، نور حقیقت از روزن ارواح لطیفه و اشباح کثیفه ننمودی» (۴)

*سبب تألیف کتاب: بر مبنای گفته‌ی مظفرالدین شیرازی در دیباجه شرح وی بر گلشن راز شبستری آنجا که میگوید: «درویشی از اهل شهود، التماس شرحی نمود که به سیمت تنقیح، موسوم و به رقم توضیح، مرسوم باشد. و چون مراقت طالبان طریق تحقیق، و موافقت شاربان رحیق توفیق، در ذمت همت فقرای دین و به شریعت مروّت و فتوّت، فرض عین است؛ التماس او را مبذول داشتیم و رقمی چند، بر لوح ظهور و صفحه شعور نگاشتیم» (۴) معلوم می‌شود که شیخ مظفر بنا به التماس یکی از متصوفه این شرح را نوشته است اما نمیدانیم این اهل شهود کیست.

وی پس از اشاره به دلیل تألیف کتاب امید بر آن دارد که «این ابکار مخدّره از ملاحظه‌ی ملاحظه و مطالعه‌ی زنادقه محفوظ باشد و ارباب شریعت بیضاء و طریقت زهرا را از آن محفوظ کردند» (۴) وی بیان می‌کند که باور و عقیده‌ی وی، مطالب مندرج در این شرح است و هرگز از آنان روی برنمی‌گرداند و آنچه نگاشته است، مطابق با آیات قرآن و سنت پیامبر است و اگر سخنی مخالف کتاب و سنت‌یابی، باید که «عنان اذعان از صوب آن برتابی» (۵)

*بیان حقایق عرفانی: شیخ مظفر قبل از شروع به شرح ابیات گلشن راز به نگاشتن ۲۶ حقیقت عرفانی پرداخته است که ابتدای هر بیان، واژه‌ی «حقیقه» بازگو شده و توضیح هر حقیقت مزین با ابیات و احادیث، روایات و آیات قرآنی است. این حقایق به توضیح بعضی جنبه‌های عرفان مانند فهم مسائل تصوف می‌پردازند و اصطلاحات مختلفی مانند ذات و تعین و وجود مطلق و ذات و آرای حکما و سیر و عالم مثال و کشف و فناء و تجلی و تکلیف

و روح و معاد و امور اخروی را با استناد به آیات قرآنی و احادیث نبوی و عبارات عرفا و فلاسفه مورد بررسی قرار می‌دهند:

«حقیقت: کشف که اطلاع بر غیب است یا متعلق به صورت است و آن را کشف صوری گویند یا متعلق به معنی است و آن را کشف معنوی خوانند و کشف صوری اگر متعلق به حوادث دنیوی است، رهبانیت است؛ چه راهب را هم به حسب مجاهده مشاهده هست و منبع جمیع مکاشفات قلب است و آن را حواس روحانی است، نمی‌بینی که در خواب می‌بینی و می‌شنوی «فَإِنَّهَا لَا تَعْمَى الْأَبْصَارُ وَلَكِنْ تَعْمَى الْقُلُوبُ الَّتِي فِي الصُّدُورِ» و حواس روحانی اصل حواس جسمانی است».

صحت این حس ز معموری تن صحت آن حس ز تخریب بدن (۱۴)

چگونگی شرح ابیات در بخش اصلی کتاب :

شارح در این بخش از کتاب که بخش اصلی اثر است، ابیات گلشن راز را ذکر نموده و به شرح و تفسیر آن مطابق با سبک و سیاق عارفان پرداخته است. درضمن شرح ابیات، سخنان و اشاراتی ذکر شده که با عنوانهای: تمثیل، قاعده، سؤال و جواب از متن مجزا گردیده است.

اما شیوه شارح در شرح بیات، به صورت شرح هر بیت به شکل جداگانه نیست. گاه بیتی را و گاه دو یا سه بیت را باهم شرح میکند و در بسیاری از موارد، ابیات دارای مضامین یکسان را شرح نمیکند:

به باطن نفس ما چون هست کافر	مشو راضی به این اسلام ظاهر
ز نو هر لحظه ایمان تازه گردان	مسلمان شو مسلمان شو مسلمان
بسی ایمان بود کز کفر زاید	نه کفر است آن کزو ایمان فزاید

ترک رسوم و عادات پیش اهل ظاهر کفر است و ایمان حقیقی از آن ترک حاصل شود و کمال یابد پس در حقیقت کفر نباشد. (۱۵۶)

اما هر بیتی که احساس نموده نیاز به شرح و تفسیر دارد، با کلامی مملو از اصطلاحات حکمی و کلامی توضیح میدهد. گاه تناسب و همخوانی معنایی ابیات را نیز ذکر نموده که نشان از دقت نظر و باریک بینی مولف در ابیات است:

«توانایی که در یک طرفه العین ز کاف و نون پدید آورد کونین

قدیری که به یک دفعه از قول «کن» که اقتضای ظهور است، اعیان ثابتهای عالم غیب و شهادت را پیدا کرد یا در آن واحد کونین را بعد از خلع وجود متلبس به لباس وجود ساخت و ثانی، الصاق است به لفظ کونین، لیکن عین بیت یازدهم است.» (۳۵)

گاه مؤلف تنها به این پرداخته که بیت را به نثر برگرداند و چندان به شرح آن نپردازد:
 «چو آیات است روشن گشته از ذات نگردد ذات او روشن ز آیات
 چون علامات وجود حق از نور او ظاهر شده‌اند ظهور حقیقت او از آن علامات نباشد.»
 (۴۸)

که البته این نشانگر این مساله است که مخاطبان این اثر، کسانی هستند که با اصطلاحات عرفانی آشنایی دارند و در این راه به سیر و سلوک پرداخته‌اند.
 و گاه تنها با استفاده از ذکر آیه و یا حدیث به شرح ابیات می‌پردازد:
 چه بود اندر ازل ای مرد نا اهل که این شد با محمد و آن ابو جهل
 «الْسَّعِيدُ مَنْ سَعِدَ فِي بَطْنِ أُمِّهِ وَالشَّقِيُّ مَنْ شَقِيَ فِي بَطْنِ أُمِّهِ» (۱۰۵)
 البته وی در توضیح ابیات یکسان عمل نکرده و گاهی نکته‌ای را به طور کامل موشافی
 میکند که بیشتر به جنبهٔ عرفان نظری توجه دارد و گاهی نیز بدون هیچ توضیحی و در
 قالب چند کلمه، فقط به شرح لغت یا ترکیبی از بیت یا ذکر شاهد مثال اکتفا میکند:
 شراب و شمع و شاهد جمله حاضر مشو غافل ز شاهد بازی آخر
 در فیض نبسته و هر چه اولیا را بوده اکنون هم می‌سرست غافل مشو. (۱۳۸)
 در این بخش، بنای کار وی بر ایجاز است و در بیان مفاهیم ابیات شبستری گاه
 خواننده نوعی شتابزدگی را در سراسر اثر درمی‌یابد.

شکلهای متفاوت نوشتاری

شکلهای متفاوت نوشتاری از شاخصهایی هستند که مورد توجه زبان‌شناسان قرار
 گرفته‌اند، در شناخت سبک یک اثر جایگاه ویژه‌ای دارند و در سبک‌شناسی موجب تمایز و
 برجستگی میشوند. گفته شده است: «نقش تفاوت‌های آوایی در سبک تنها محدود به گفتار
 نیست بلکه در نوشتار نیز مطرح است. نویسه‌ها (صورت نوشتاری آواها) و شکل زبان
 نوشتار در گذر زمان و بر حسب متغیرهای تاریخی و جغرافیایی دگرگون میشوند بررسی
 این دگردیسی، کار زبان‌شناسی تاریخی است» (سبک‌شناسی، فتوحی: ۲۴۶).

۱- در تمام موارد می به فعل چسبیده است، مانند میتوان به جای می توان.

۲- نوشتن «گ» فارسی به صورت «ک»: گلشن = گلشن

۳- ابیات گلشن راز در نسخه شماره گذاری نشده اند.

۴- نوشتن حرف «چ» فارسی گاهی به صورت «ج»: جنان = چنان، چنانچه = چنانچه
 و گاهی به صورت اصلی.

۵- در بعضی موارد کاتب به جای «تعالی»، مختصر آن: «تع»، و به جای صلی الله
 علیه و سلم: «صلعم» آورده است.

- ۶- نوشتن کلمات عربی که مختوم به «تاء» به رسم الخط عربی است. یعنی «ة»: نبوت = نبوة، ولایت = ولایة
- ۷- در جمع بستن با «ها»، کلماتی که به «ه» مختوم شده‌اند، بر خلاف شیوه کنونی این «ه» حذف شده است. برای نمونه: آینه‌ها به صورت آینه‌ها و نیز آگینه‌ها به صورت آگینه‌ها جمع بسته شده‌اند.
- ۸- در برخی موارد عباراتی از نسخه به عمد و به دلایلی مذهبی پاک شده است، مانند واژه «امام» که قبل از واژه شافعی آمده است، ولی در نسخه آن را به نحوی محو کرده‌اند.
- ۹- حرف همزه الف جمع در کلماتی مانند انبیاء، اولیاء و اسماء نوشته شده است
- ۱۰- حذف الف ضمیر «او» و ضمیر اشاره «این» در اتصال به کلمه قبلی: ازو= از او، ازین= از این
- ۱۱- حذف الف است وقتی به کلمه قبل پیوسته می شود مانند: ظلمست = ظلم است، هفتست = هفت است.
- ۱۲- نوشتن «ی» اضافه به صورت «ء» در اغلب مواقع مخصوصاً کلماتی که به حرف الف پایانی دارند: دره‌اء دوزخ = دره‌ای دوزخ
- ۱۳- در بیشتر مواقع کلمه «خدا» به صورت «خذا» نوشته شده است.
- ۱۴- نوشتن «ب» التزامی به صورت «به»: به بینی = بینی
- ۱۵- نوشتن همزه روی ه نشانه ای از نکره است: قطره = قطره ای
- ۱۶- گاهی اوقات نویسنده چند کلمه را به صورت سرهم و پیوسته بکار می برد. مانند: به یک بار = که بیکبار، آن زمان = آنزمان، به این = باین، به جای = بجای
- ۱۷- نوشتن همزه روی کرسی «ئ» به صورت «پ»: قائم = قائم، جزئی = جزئی
- ۱۸- گاهی نقطه‌های حروف برای چند حرف استفاده شده و گاهی هیچ نقطه برای حرف یا دو حرف نوشته نشده است.
- ۱۹- نوشتن برخی کلمات به رسم قدیم خط عربی: حیات = حیوة، صلات = صلوۀ
- ۳-۵- سبک‌شناسی واژه‌ها: در این اثر به ترتیب بسامد واژگان عربی، عرفانی و فلسفی و کلامی رواج زیادی دارند.

*واژگان عربی: در دوره تیموری، کاربرد واژه‌های عربی، اصول و قواعد ترکیبی عربی به نثر راه یافت و به وفور جایگزین واژگان و دستور فارسی دری گردید. در این دوره «به کاربرد لغات و ترکیبات عربی به ویژه در کتابهای علمی و بعضی کتابهای عرفانی، بدون هیچ قید و بندی معمول بود و مؤلفان نه تنها از اصطلاحات و تعبیرات آماده که در

کتابهای پیش از آنان به زبان عربی آمده بود، استفاده کردند، بلکه گاه همان عبارات علمی عربی را با اندکی تغییر یعنی با به کار بردن روابط فارسی ترجمه می‌کردند.» (صفا، ۱۳۷۸: ۱۱۵۵)

«شرح گلشن راز» شیخ مظفرالدین نیز از این امر مستثنی نماند و واژه‌های عربی به کار رفته در اثر نیز بیشتر اصطلاحات عرفانی و تصوف است که بین عرفا و متصوفه رایج بوده است. مانند: وجوه، وجوب، مراحل، منازل، معروض، اعیان، اکوان، مصطبه و...
واژگان و اصطلاحات فلسفی و کلامی: قوس ظهور، نقطه وحدت، تعینات، وجود و عدم، علت غائی، نفس ناطقه، عین ثابت، نفس کلیه، صور حسیه، محدث، قدیم و...
واژگان و اصطلاحات عرفانی: هستی مجازی، حجاب، تجلی، کرامت، حقیقت محمدیه، و...

نحو و دستور زبان

* کوتاهی جملات و عطف جملات به یکدیگر: «و آنچه مکشوف اولیا است در عبارت نمی‌گنجد و اشارت نمی‌تابد و هر چه برای اظهار آن حقایق گویند سبب فنا شود». (۴)
«او را در سلوک هفت مرتبه است اول توبه و طاعت و ذکر که مُمَثَّل نور سبز است و ثانی تزکیه نفس از صفات ذمیمه که ممثل نور کبود است و نهایت سیرش ملکوت سفلی است و ثالث تجلیه قلب به اخلاق حمیده که ممثل نور سرخ است و نهایت سیرش اوایل ملکوت علوی است و رابع تجلیه سیر از غیر حق که ممثل نور زرد است و نهایت سیر او اواسط ملکوت علوی است و خامس مرتبه روح که ممثل نور سفید است و ...». (۲۳)
«چون ضعف زمانی که نطفه در آن زمان صورت انسانی پذیرفت، بگذشت، چنین حرکت کرد و چون ضعف آن ضعف بگذشت اراده‌ی خروج از رحم پیدا کرد و متولد شد». (۶۹)
* کاربرد فراوان افعال ربطی و اسنادی: این ویژگی مربوط به نثرهای علمی است که بیشتر مبنای استدلالی دارند.

انسان کامل، خلاصه اعیان و نقاوه اکوان است و به حکم «إِنَّ اللَّهَ خَلَقَ آدَمَ عَلَى صُورَتِهِ» مظهر جمال و جلال و برزخ وجوب و امکان است. (۱)
ممکن محتاج است به علت و این علت اگر واجب است مطلوب ثابت شد و اگر ممکن است محتاج باشد به علتی (۴۱)
در آخر آیه نفس انسان از اسماء ذات نازل شد چه ختم قرآن به ناس است؛ پس مناسب آن است که ختم کتاب عالم هم به ناس باشد (۵۸)

*مطابقه صفت و موصوف: در این دوره، مطابقت صفت و موصوف بر طبق دستور عربی که متقدمان جز در مواقع خاص جایز نمی‌شمردند، عمومیت پیدا می‌کند. (شمیسا، ۱۳۸۰: ۲۰۸).

شارح در این اثر، صفت و موصوف را مطابق با تطابق عربی آورده و نمونه‌های آن بسیار است، مانند: ارواح لطیفه، اشباح کثیفه، متعدده مختلفه، حقیقه مطلقه، تعینات خارجیه، تشخصات ذهنیه، استحقاقات مختلفه، استعدادات متنوعه، اعیان ثابته، اعیان خارجیه، صور متمیزه، نفوس ناطقه، اعمال قبحه، اخلاق رذیه، اعیان ثابته عدمیه، هیئت اصلیه و ...

«ایجاد حق عالم را ظهور نور اوست به صورت متعدده مختلفه». (۶)

«قدیری که به یک دفعه از قول کن که اقتضای ظهور است، اعیان ثابته‌ی عالم غیب و شهادت را پیدا کرد». (۳۰)

«به تکرار احوال غیر راسخه راسخ گردند، چنانچه به مدت مدید میوه خوشبوی شود». (۱۱۸)

*کاربرد انواع «را»: سپاس یکی را که غنچه‌ی حقیقت مقدسه‌اش در گلشن‌راز به احسن وجوه شکفته و وجه وجوب خود را در بزم شعور به پرده امکان نهفته؛ (۱) التماس او را مبذول داشتیم (۳) و اگر ایشان را بصیرتی بودی منکر خود شدند (۴) روزی یاران او را گفتند: ما می‌خواهیم که قطب را ببینیم (۴) خلق را مرآت حق ساخته و حق را ظاهر می‌بیند (۱۰) حکما او را هیولی گویند (۱۱) اگر گویند که عبد را هیچ قدرت نیست جبری‌اند (۱۵) تن را غذا و صحت و مرض هست، روح را هم هست. (۲۱) قلب انسانی را در ظلمت و نور مراتب بسیار است. (۲۲) چون حق را ضد و مثل نیست، فلسفی او را به عقل نتواند دانست. (۳۹) و...

*کاربرد «چنانچه» به جای «چنانکه»: چنانچه اگر بر لعل افتد هیچ شرف او افزون نگردد (۹)

چنانچه تن را غذا و صحت و مرض هست روح را هم هست (۲۱)

چنانچه دلخواه است اظهار ما فی‌الضمیر نمی‌توانیم کرد (۳۷)

چنانچه باصره را تاب دیدن آفتاب نیست دیده عقل هم تاب ملاحظه حق تعالی ندارد (۴۲)

* کاربرد فراوان جمع‌های عربی: بیشتر کلمات با صورت جمع مکسر و جمع مونث سالم و کمتر با نشانه‌های جمع فارسی جمع بسته شده‌اند. به دلیل احاطه‌ی کلمات عربی بر نثر زمان مؤلف، در این اثر بسامد جمع مکسر به زیادی مشهور است. روازن، ارواح، اشباح، اعیان، اکوان، مراحل، ذرات، مراتب، مناصب، اسرار، معانی، ابکار، زنادقه، ملاحده، اجسام، افلاک، عناصر، موالید، از جمله این واژگان هستند.

«پس افلاک و عناصر و موالید و نهایت کل انسان است». (۱۲)

«در چهار دیوار عناصر به چهار میخ طبایع که حرارت است و برودت و رطوبت و پیوسته محبوس مشو و از جاه طبیعت بیرون آی و نظر کن در اجرام سماوی». (۵۶)
* کاربرد وجه مصدری (افعال غیر شخصی): در تعیین ممکن، اثر وجوب نیست پس ادراک واجب نتواند کرد (۴۱)

او را به دیده کشف می‌توان دید (۴۲)

ممکن را با واجب هیچ نسبت نیست تا ادراک او نتواند کرد (۴۵)

اگر خواهی که آفتاب ببینی در جرمی صیقل که برابر آفتاب باشد توان دید (۴۶)

* تکرار افعال: «و آنچه مکشوف اولیا است در عبارت نمی‌گنجد و اشارت نمی‌تابد و هر چه برای اظهار آن حقایق گویند سبب فنا شود». (۴)

«او را در سلوک هفت مرتبه است اول توبه و طاعت و ذکر که مُمَثِّل نور سبز است و ثانی تزکیه نفس از صفات ذمیمه که مُمَثِّل نور کبود است و نهایت سیرش ملکوت سفلی است و ثالث تجلیه‌ی قلب به اخلاق حمیده که مُمَثِّل نور سرخ است و نهایت سیرش اوایل ملکوت علوی است و رابع تجلیه سیر از غیر حق که مُمَثِّل نور زرد است و نهایت سیر او اواسط ملکوت علوی است و خامس مرتبه روح که مُمَثِّل نور سفید است و ...». (۲۳)

«جمع مشاهده حق است بی‌خلق و این فناء فی الله است و جمع الجمع مشاهده‌ی خلق است قایم به حق و این بقاء بالله است. (۳۳)

«در ترتیب صور علمیه به حسب ماده و هم به حسب صورت احتیاج به منطق است که هر مسأله او قانون است و تخصیص تصدیق به ذکر برای آن است». (۳۷)

* کاربرد «ی» شرط در پایان افعال: و اگر نه وجود این طایفه رفیع‌القدر و سنیع‌الصدر بودی، نور حقیقت از روازن ارواح لطیفه و اشباح کثیفه نمودی». (۲)

اگر ایشان را بصیرتی بودی منکر خود شدند که فهم کلام کامل نمی‌توانند کرد». (۴)

اگر خورشید حرکت نداشتی و شعاع او بر یک منوال بر ما تابیدی (۴۱)

اگر مشرک از حقیقت بت آگاه شدی صورت او را بپرسیدی و نظر به حقیقت او داشتی (۱۴۶)

* آوردن اجزای جمله بعد از فعل به تقلید از جمله بندی عربی: تقدم فعل بر اجزای جمله بیشتر در شکل «تقدم فعل بر متمم» دیده میشود:

«ایجاد حق عالم را ظهور نور اوست به صورت متعدده مختلفه». (۶)

«جمع مشاهده حق است بی‌خلق». (۳۳)

«گفتن انا الحق کشف اسرار الهی است بی‌شائبه‌ی شبهه». (۸۶)

«حق وجود مطلق واحد است و معرّا است از جمیع تعینات و تشخصات». (۸۷)

* کاربرد وجه وصفی: «و ذوالعقل آن است که حق را مرآت خلق ساخته و خلق را ظاهر می‌بیند و حق را باطن». (۱۰)

«احد در تعین احمد ظهور تام فرموده و اول دایره وجود عین آخر شد». (۳۳)
«وجود وهمی عالم که به کل معبر شده از تعینات متکثره‌ی ظهور یافته و این کثرت سائر وحدت وجود مطلق است». (۱۱۲)

* حذف فعل به قرینه: «هر عرضی در آن کتاب به منزله‌ی اعراب است و هر جوهری به مثابه حرفی است». (۵۵)

«زحل را جدی و دل‌خانه است و مشتری را قوس و حوت است». (۵۹)
«مدار قمر یکی عقده‌ی راس است و یکی عقده‌ی دب است». (۵۹)
«اخلاق حسنه‌ی تو در عالم مثال به صورت نور ظهور کنند و اخلاق سیئه به صورت نار ظهور کنند». (۱۱۹)

* حذف نشانه‌های مفعول: «حواس را» که به مثابه‌ی انجمند، خیره و مکدر کردند». (۱۱۵)
«زمین بدن مانند بیابان هموار باشد که در آن بیابان، مکان مرتفع و مکان را» منحفص نبینی». (۱۱۶)

* افراط در کاربرد مصدر جعلی با پسوند «یت»: ربوبیت (۴۶) عدمیت (۴۷)، الوهیت (۴۷)، قابلیت (۴۸)، جنسیت (۶۱)

* توالی واژگان مترادف: «هر چند مشرب و مذهب ایشان همه یکی ست و به توحید ذاتی معترفند؛ اما در اظهار اسرار و افشای حقایق مختلف‌اند». (۲)
«فکر در آلا و نعم که اسما و افعال حق‌اند شرط راه است». (۴۱)

* کاربرد از افعال پیشوندی: آخر از هم فرو می‌ریزد و روح به عالم قدس می‌رود (۱۰۰)
چون معانی از آن بحر به دل فرو آیند (۱۰۸) قوت عاقله، غواص بحر هستی است که به فکر فرو می‌رود (۱۰۹) و...

وجه ادبی: این کتاب از جمله نثرهای تعلیمی صوفیانه به شمار می‌آید و هدف نویسنده نیز شرح و تقریر مفاهیم و تمثیلات گلشن راز و به نوعی آموزش عرفان نظری بوده است، بنابراین نویسنده چندان در پی کاربرد اصول بلاغی و زیبایی‌شناسی نیست و در نتیجه چندان آرایه‌های بدیعی در اثر او دیده نمی‌شود، اما نمونه‌هایی از آرایه‌های بدیعی در اثر دیده می‌شود که به اقتضای کلام و روال طبیعی سخن ایجاد شده است.
جناس: «به حکم ان الله خلق آدم علی صورته مظهر جمال و جلال و برزخ وجوب و امکان است». (۱)

«از علو مراتب و سمو مناصب در بزم عرفان هم عارف و هم معروفتند». (۲)
«اگر در آبگینه‌ها متلون تابد هرجا به رنگی نماید و در نفس امر از لون مبراست». (۹)

«اعیان ثابته مجعول به جعل جاعل نیستند پس اعتراض نمی‌آید که چرا حق تعالی عین مهتدی را مقتضی اهتدا ساخته و عین ضال را مقتضی ضالت، و آنچه گذشت که اعیان ثابته از فیض اقدس فایض شده‌اند». (همان: ۱۵)

«اخلاق حسنه‌ی تو در عالم مثال به صورت نور ظهور کنند و اخلاق سیئه به صورت نار».

(۱۱۹)

* تکرار واج: واج‌آرایی: درویشی از اهل شهود التماس شرحی نمود». (۳)

چون مراقت طالبان طریق تحقیق و موافقت شاربانِ رَحِیقِ توفیق». (۳)

«از غایت غیرت نقش غیر بر لوح وجود نمی‌گذارد». (۴۲)

* تشبیه: در غالب تشبیهات یکی از طرفین تشبیه از امور محسوس است و اکثر تشبیهات به صورت اضافه تشبیهی (اضافه مشبهه به مشبه یا تشبیه موکد) به کار رفته است. این تشبیهات در اکثر موارد، از تشبیهاتی است که در متون ادبی و عرفانی قدیم کاربرد داشته اما گاه نوآوری‌هایی نیز در آنها دیده می‌شود:

«یکی گوهر حقیقت از صدف شریعت بیرون آورد و نشانه تیر ملامت شد و یکی گوهر حقیقت را بگذاشت و به صدف شریعت قناعت کرد». (۳۲)

«چون آتش جلال او به حکم» لو دنوت انملهُ لا حترقت «عقل کلی را پر بسوزد. پروانه عقل جزئی چگونه گرد شمع رخسار او تواند گشت». (۴۲)

«قطره‌ی وجود خود را خضر وار مستغرق دریا وجود مطلق ساز و مانند تعینات عالم روح زنده‌ی جاوید شو». (۱۲۹)

همچنین یکی از پربسامدترین حروف اضافه تشبیهی در این اثر، «به مثابه» و «مثال» است که به وفور یافت می‌شود:

«عقل به منزله‌ی خفاش است و حق به مثابه‌ی آفتاب». (۴۲)

«اگر ماه بینی مثال خیال است و اگر آفتاب بینی مثال عقل است». (۵۳)

«دماغ که به مثابه آسمان است آشفته گردد و روح که به مثابه‌ی آفتاب است تیره شود و حواس که به مثابه‌ی انجمند، خیره و مکدر گردند». (۱۱۵)

استعاره مصرحه: «بعضی دریاها از شراب تجلی نوشند و سرّ خود را از غیر محرم پوشند».

(۲)

«امیدوارم که این ابکار مخدّره از ملاحظه ملاحظه و مطالعه زناذقه محفوظ باشد». (۳)

استعاره مکنیه: چون آتش جلال او به حکم» لو دنوت انملهُ لا حترقت «عقل کلی را پر بسوزد». (۴۲)

«من می‌شنوم از احجار که ذکر خدا می‌کنند» (۲۰)

* کنایه: کنایه‌های به کار رفته در این اثر عموماً از نوع قریب هستند:

چون پرده ی منی و تویی از پیش دیده ی دل برخیزد و مجذوب مطلق شوی، تکلیف هم نماند. (۶۷)

چون دل بر یک قرار نیست و هرچند که نفی خواطر می کنم، باز به جانب کثرت میل می کند، کار سلوک را هر دم از سر می گیرم. (۱۳۰)

چون نهایت کار پیدا نیست، دست از جان شستیم و تن به قضا دادیم. (۱۳۰)
چون دید که من از ملاحظه ی جمال مطلق رسته امید از جان گسسته و متوجه به مرتبه فنا شدم. (۱۵۴)

تناسب (مراعات النظیر): «دیده ی دل به سرمه ی مشاهده مکحل نشود». (۳)
«پیمانه از شراب تجلی و محبت به من داد و آتش فنا در من افتاد و تعین مرا بسوخت». (۱۵۴)

طباق: «هر یک می خواهند که خود غالب و ظاهر باشد و مقابل او مغلوب و مخفی». (۱۳)
«قلب انسانی را در ظلمت و نور مراتب بسیار است». (۲۲)

* استشهاد فراوان به آیات، احادیث، سخنان بزرگان: یکی از مهمترین عناصر سبکی این اثر وجود آیات، احادیث و امثال و عبارات عربی است که با توجه به موضوع اثر، کاربرد آن طبیعی است. شارح سعی میکند همانند سایر آثار نثر صوفیانه به اقتضای معنا و مضمون در شرح ابیات گلشن راز از آیات و احادیث کمک گیرد. در این اثر اقتباس از آیات قرآنی بیشترین بسامد را داراست و کاربرد احادیث در مرتبه دوم، عبارات عربی در رتبه سوم قرار دارد و اکثر احادیث از پیامبر اکرم (ص) است.

نوع تلمیح	آیات	احادیث	نهج البلاغه	سخنان بزرگان
تعداد	۲۰۶	۷۱	۲	۳۱

در پیوستن آیه و حدیث و عبارات عربی به شرح خود از دو روش استفاده میکند:
ترکیب اضافی:

ندای «لَمَنْ الْمُلْكُ الْيَوْمَ» و صدای «لِلَّهِ الْوَاحِدُ الْقَهَّارُ» امروز به گوش تو می آید (۹۱)

پس از شرح و توضیحات و در تایید و تکمیل آنها:

صفات حق را اول در نشأت عین ببین تا مستعد آن شوی که آخر ذات او را مشاهده کنی «وَمَنْ كَانَ فِي هَذِهِ أَعْمَى فَهُوَ فِي الْآخِرَةِ أَعْمَى وَأَضَلُّ سَبِيلًا». (۸۹)

اطناب: یکی از مولفه های سبکی نثر تعلیمی به ویژه نثر تعلیمی صوفیانه و به خصوص شروح، اطناب است. در این اثر نیز البته در بخش دیباچه اطناب دیده میشود که به دو طریق به کار رفته است:

از راه استشهاد مکرر به اقوال، احادیث و آیات :
و اهل ظاهر که در ادراک حقایق قاصرند انکار آن می‌کنند و اگر ایشان را بصیرتی
بودی منکر خود شدند که فهم کلام کامل نمی‌توانند کرد «وَ إِذْ لَمْ يَهْتَدُوا بِهِ فسيقولون
هذا افكٌ قديمٌ» (۵).

کاربرد جملات معمول به صورت تو در تو و پیوسته:

وجود مطلق دو سیر دارد اول از اطلاق صرف و وحدت محض به قید و کثرت؛ و بدایت
این سیر نزد جمهور احادیث است پس عقل کلیست که محیط است به حقایق بر وجه
اجمال و او را عرش مجید و لوح قضا و امّ الکتاب و قلم و روح القدس و روح اعظم و نور
محمّدی و دُرّه بیضاء و ظلّ اول و عقاب گویند و حقیقت انسانیت اوست؛ و میان او و
حضرت الوهیت نزد بعضی واسطه نیست و نزد بعضی فرق نیست؛ (۱۱)

نتیجه‌گیری

نسخه خطی «شرح گلشن راز» اثر مظفرالدین علی بن محمد شیرازی باقی مانده از
قرن نهم هجری و عصر تیموری است. مؤلف در زمان خود از مقام والای عرفانی برخوردار
بوده و کتاب خود را برای رفع ابهامات و پیچیدگیها در کتاب «گلشن راز» به درخواست
یکی از صوفیان زمان خود نگاشته است. این اثر مشتمل بر دو بخش است، شارح در بخش
نخست که همان دیباچه اثر است و حالتی اطناب‌گونه دارد، پس از اظهار ارادت بر پیامبر
اکرم و شرح مرتبه‌ی انسان و سخن از اهل فنا و مرتبه و گفتن مراتب و درجات شیخ
محمود شبستری، به دلیل تألیف کتاب و در ادامه به توضیح ۲۶ حقیقت عرفانی پرداخته
است. وی همراه با توضیح این حقایق عرفانی به تفهیم مسائل تصوّف می‌پردازد و
اصطلاحاتی مانند ذات، تعین، وجود مطلق، سیر و عالم مثال، تجلّی، کشف، فنا، تکلیف،
روح، معاد و ذات و آرای حکما می‌پردازد و همراه با توضیح هر کدام به آیات قرآنی و
احادیث نبوی و سخنان عارفان و فلاسفه و اشعار استناد می‌جوید. وی در نقل اشعار دچار
مسامحه شده و اشعار را بدون ذکر نام شاعران نقل کرده است. همچنین در موارد بسیاری
چندین بیت از چند شاعر را پشت سرهم و بدون اشاره به نام شاعران می‌آورد.

در بخش دوم، به دور از اطناب و غموض و ابهام به تفسیر و شرح ابیات گلشن راز
می‌پردازد. وی با آوردن عباراتی مجمل، ساده و روشن ابیات گلشن راز را شرح و تفسیر
می‌نماید. شیوه مؤلف در شرح بیات، به صورت شرح هر بیت به شکل جداگانه نیست. گاه
بیتی را و گاه چند بیت پی‌درپی را با هم شرح می‌کند و دلیل این کار در نظر او قرابت
معنایی این ابیات است. البته وی در توضیح ابیات یکسان عمل نکرده و گاهی نکته‌ای را به
طور کامل موشافی می‌کند که بیشتر به جنبه عرفان نظری توجه دارد و در مواردی نیز به

توضیح چند لغت اکتفا میکند. وی برای روشن ساختن مفاهیم ابیات و تمثیلات موجود در گلشن راز، اغلب ابیات را با استناد به آیات و احادیث شرح و توضیح میدهد، گاه در معنای بیت یا مصرعی، به اشاره‌ای کوتاه بسنده میکند و در مواردی تنها به نقل سخنی صوفیانه، آیه یا حدیثی اکتفا میکند. گمان می‌رود مخاطب مظفرالدین کسانی هستند که با اصطلاحات عرفانی آشنایی مختصری دارند.

حذف فعل به قرینه لفظی، مهمترین ویژگی نحوی این اثر است و از جمله ویژگی‌هایی که جلب توجه میکند، آمیختگی بسیار زیاد متن با زبان عربی است، تا حدی که شارح گاهی برای شرح یک بیت یا مصرع فقط زبان عربی را به کار برده است. در این اثر لغات و ترکیبات عمومی زمان که معمولاً عربی بوده، بیشتر مورد توجه قرار گرفته و کاربرد واژگان و ترکیبات پارسی سره کم است. وی در عین توجه به مفاهیم، برخی آرایه‌های لفظی و معنوی و سایر عناصر زیباشناختی سخن از جمله تشبیه، استعاره، کنایه، تناسب، جناس و ... را نیز به کار می‌گیرد.

این اثر از بسیاری از ویژگی‌های نثر دوره تیموری به دور مانده و مؤلف سعی در حفظ سبک و سیاق اسلاف (روش عرفا) در نگارش اثر خود کرده است. همچنین با آنکه هر اثر، سبک شخصی دارد و این امر نشانگر شخصیت خالق آن اثر است، نمی‌توان «شرح گلشن راز» را دارای سبک شخصی دانست؛ زیرا که مؤلف دنباله‌روی اسلاف و گذشتگان خود به شرح و تفسیر پرداخته است.

REFERENCE

- Ibn al-Hanbali, Razi al-Din Muhammad ibn Ibrahim ibn Yusuf al-Halabi (1972) in Al-Habb in the history of the sons of Aleppo, research by Mahmoud Hamad al-Fakhouri, Yahya Zakaria, statement, publications of the Ministry of Culture, Damascus, p: 933
- Akbari, Manouchehr and Abdullah Al-Hassan Mohammad Al-Kabsi (2014) Introduction of Golshan Raz's commentary by Sheikh Muzaffar al-Din Ali bin Mohammad Shirazi Rumi, Bahar Adab Quarterly, 7th year, first issue of Bahar, consecutive issue23 PP:247-261
- Suraya, Mohammad, (1929), Ottoman Record (Note of Ottoman celebrities), Volume 4, Istanbul: Ameri Press. P: 499
- Haj Seyed Javadi, Seyed Kamal (1993), Afar Afarinan, Tehran: Publications of the Association of Cultural Works and Honors ,P:253.
- Roknzadeh Adamit, Mohammad Hossein (1961), Scientists and Speakers of Fars, Tehran: Islamieh. .P:470

- Zarrinkoob, Abdolhossein (1997) Search in Iranian Sufism, Tehran: Amirkabir, p: 324
- Shamisa, Sirus (2001) Stylistics of prose, fifth edition, Tehran: Mitra, p: 198
- Shirazi, Muzaffar al-Din Ali ibn Muhammad, (unpublished) Description of Golshan Raz, scribe Hassan al-Hadi al-Husseini al-Yazdi, No. 14914, Library of the Islamic Consultative Assembly.
- _____ (Bita), Description of Golshan Raz, Unknown Writer, No. 210140, Library of the Islamic Consultative Assembly
- _____ (Bita), Description of Golshan Raz, Unknown Writer, No. 209325, Library of the Islamic Consultative Assembly
- _____ (Bita), Description of Golshan Raz, Unknown Writer, No. 24848, Astan Quds Razavi Library
- _____ (Bita), Description of Golshan Raz, by Abdolghafar Hamedani, No. 761, Moftah Library, Tehran
- Safa, Zabihollah (1999) History of Literature in Iran, Tehran: Ferdows, p: J3: 766
- Louisen, Leonard (2000) Beyond infidelity and faith, translated by Majdaldin Kiwani, Tehran: Center, p: 5
- Al-Qastantini Mustafa bin Abdullah, (1943) KASHF OL ZONON, Research by Mohammad Sharaf al-Din Yaltaqiya, Print: Wakal al-Ma'arif al-Jalil, p: 1263
- Kabrizadeh, Tash, (2005). Al-Nu'maniya splits in the scholars of the Ottoman state, corrected and researched by Sayyid Muhammad Mansour Tabatabai; PhD Thesis in Persian Language and Literature, University of Tehran. Mustafa bin Abdullah
- Al-Osmani known as the scribe of Chalabi and Haji Khalifa, (2010). Salam al-Wusul al-Tabaqat al-Fahul, Volume II, Nobility and Presentation of Akmal al-Din Ehsan Oghli - Research by Mahmoud Abdul Qadir Al-Arnawut P:405
- Najmuddin Al-Ghazi, (1997) Al-Kawakab Al-Sa'ira Fi Ayan Al-Ma'a Al-Asharah, No. 531, Research: Gabriel Suleiman Jaboor,P:531

فهرست منابع فارسی

- ابن الحنبلی، رضی الدین محمد بن ابراهیم بن یوسف الحلبی (۱۳۰۸ / ۱۹۷۲ م) در الحبب فی تاریخ ابناء حلب، تحقیق محمود حمد الفاخوری، یحی زکریا عبارة، منشورات وزارة الثقافة، دمشق، ص: ۹۳۳
- اکبری، منوچهر و عبدالله الحسن محمد الکبسی (۱۳۹۳) معرفی شرح گلشن راز از شیخ مظفرالدین علی بن محمد شیرازی رومی، فصلنامه بهار ادب، سال هفتم، شماره اول بهار، شماره پیاپی ۲۳؛ صص: ۲۴۷-۲۶۱

بررسی سبک شناسی نسخه خطی «شرح گلشن راز» تألیف «شیخ مظفرالدین علی بن محمد شیرازی» ۳۵۱/

- ثریا، محمد، (۱۳۰۸هـ)، سجل عثمانی (تذکره مشاهیر عثمانیه)، جلد ۴، استانبول: مطبعه عامره. ،
ص: ۴۹۹

- حاج سید جوادى، سیدکمال (۱۳۷۲)، اثرآفرینان، تهران: انتشارات انجمن آثار و مفاخر فرهنگی.
، ص: ۲۵۳

- رکن زاده آدمیت، محمد حسین (۱۳۴۰)، دانشمندان و سخن سرایان فارس، تهران: اسلامیه. ، ص:
۴۷۰

- زرین کوب، عبدالحسین (۱۳۷۶) جستجو در تصوف ایران، تهران: امیرکبیر ، ص: ۳۲۴
- شمیسا، سیروس (۱۳۸۰) سبک شناسی نثر، چاپ پنجم، تهران: میترا ، ص: ۱۹۸
- شیرازی، مظفرالدین علی بن محمد، (بی تا) شرح گلشن راز، کاتب حسن الهادی الحسینی
الیزدی، به شماره ۱۴۹۱۴، کتابخانه‌ی مجلس شورای اسلامی.

- _____ (بی تا) ، شرح گلشن راز، کاتب نامعلوم، به شماره ۲۱۰۱۴۰،
کتابخانه مجلس شورای اسلامی

- _____ (بی تا) ، شرح گلشن راز، کاتب نامعلوم، به شماره ۲۰۹۳۲۵،
کتابخانه مجلس شورای اسلامی

- _____ (بی تا) ، شرح گلشن راز، کاتب نامعلوم، به شماره ۲۴۸۴۸،
کتابخانه آستان قدس رضوی

- _____ (بی تا) ، شرح گلشن راز، کاتب عبدالغفار همدانی، به شماره
۷۶۱، کتابخانه مفتاح تهران

- صفا، ذبیح الله (۱۳۷۸) تاریخ ادبیات در ایران، تهران: فردوس ، ص: ج ۳: ۷۶۶
- لویزن، لئونارد (۱۳۷۹) فراسوی کفر و ایمان، ترجمه مجدالدین کیوانی، تهران: مرکز ، ص: ۵
- القسطنطینی مصطفی بن عبد الله، (۱۳۶۲/۱۹۴۳م) کشف الظنون، تحقیق محمد شرف الدین
یالتقایا، چاپ: وكالة المعارف الجلیله، ص: ۱۲۶۳

- کبری زاده، طاش، (۱۳۸۴ش). الشقائق النعمانیة فی علماء الدولة العثمانیة، تصحیح و تحقیق سید
محمد منصور طباطبایی؛ پایان نامه دکتري زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه تهران.

- مصطفی بن عبدالله العثماني معروف به کاتب چلبی و حاجی خلیفه، (۲۰۱۰م). سلم الوصول إلى
طبقات الفحول، المجلد الثاني، اشراف وتقديم اکمل الدین احسان اوغلی - تحقیق محمود
عبد القادر الآرناؤوط، تدقيق صالح سعید اوی صالح، اعداد الفهارس صلاح الدین اویغور،
استانبول، ص: ۴۰۵

- نجم الدین الغزی، (۱۹۹۷م) الکواکب السائره فی اعیان المئه العاشرة ، رقم: ۵۳۱، تحقیق:
جبرائیل سلیمان جبور، بیروت: دار الأفاق الجديدة، قسمت ۵۳۱.